

تکرار جرم حدی با مدت زمان طولانی

□ عبدالعالم معتمدی *

چکیده

در طول تاریخ بشری از زمانی که انسانها به زندگی جمعی روی آوردند، جرم نیز به وجود آمد به دلیل این که زندگی گروهی بر رعایت مقرراتی استوار است و جامعه برای حفظ نظام و دوام خود در مقابل ناقضین این مقررات، واکنش نشان می دهد و این واکنش گاهی اخلاقی و گاهی مجازات است ولی مجازات اصلی ترین و شایع ترین واکنش در مقابل پدیده مجرمانه در طول تاریخ محسوب می شود امروزه نیز علی رغم همه پیشرفت های علمی و فنی باز هم اولین و ساده ترین و شایع ترین واکنش علیه پدیده مجرمانه مجازات است و بشر هنوز جانشین قابل قبولی برای مجازات پیدا نکرده است. تکرار جرم از دیرباز مورد توجه نظام های عدالت کیفری به عنوان یکی از جهات عمومی تشدید مجازات بوده است. علی رغم ظهور نظریه های جدید جرم شناسی، به ویژه تحولات عدالت ترمیمی، کماکان این نظریه کارکرد خود را حفظ کرده است تکرار جرم یعنی بازگشت به جرم و ناظر به موردی است که کسی مرتکب جرم شود و بعد از قطعیت حکم، تحمل کیفر یا برخورداری از عفو و آزادی مشروط یا گذشت بزه دیده در جرایم قابل گذشت، مجددا مرتکب جرم شود، مجازات وی برای بار دوم بیشتر از میزان مجازات دفعه قبل یا شدیدتر خواهد بود. زیرا فرایند اجرای مجازات، مانع از ارتکاب مجدد جرم نشده است و لذا لازم است، برای بار دوم مجازات بیشتری برای وی در نظر گرفته شود. لذا تکرار جرم از جهات عینی تشدید مجازات محسوب می شود.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ه. ش و اصلاحی ۱۳۹۹ ه. ش ضمن مواد ۱۳۶ تا ۱۳۹، تکرار جرم در جرایم

مستوجب حد و تعزیر را مورد توجه قرار داد. این مواد نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰.ش دقیق‌تر و جامع‌تر تنظیم یافته‌اند. هرچند کماکان ابهامات و خلاهای قانونی زیادی در این باره وجود دارد. **کلیدواژه‌ها:** تکرار جرم، حد، اجرای مجازات، مرور زمان، تشدید مجازات.

مقدمه

بررسی متون تاریخی و دینی نشان می‌دهد، همواره تکرارکنندگان جرم مجازات‌های شدیدتری نسبت به بارقبلی متحمل می‌شدند، قوانین موضوعه نیز تحت تاثیر اندیشه‌های مذکور، همواره از تشدید مجازات تکرارکنندگان جرم دفاع کرده‌اند، با ظهور مکاتب جرم‌شناسی این دیدگاه تقویت شد. طرفداران نظریه‌های اصلاح و درمان براین باورند که، چون برنامه‌های اجراشده در فرآیند تحمل کیفر قبلی در اصلاح و درمان بزهکار کافی نبوده، وی اصلاح نشده و به همین جهت دوباره مرتکب شده، لازم است دوباره برای مدت بیشتری تحت رژیم‌های اصلاحی و درمانی قرار گیرد. سزاگرایان معتقدند وقتی محکومیت و تحمل مجازات نتوانسته، مانع از ارتکاب محدود بزه شود، بدین معناست که بزهکار به سزای عملش نرسیده‌است بدین ترتیب، استحقاق مجازات بیشتری در صورت تکرار جرم دارد. سزاگرایان، با برنامه‌های آسان‌گیرانه اصلاحی و درمانی مخالفت کرده‌اند و چاره‌ی جلوگیری از تکرار جرم را، تشدید مجازات براساس میزان تقصیر مرتکب و تحمیل درد و رنج بیشتر در صورت تکرار جرم می‌دانند. این دیدگاه در تشدید مجازات جرایم حدی و تعزیری در حقوق ایران، تا حدود زیادی بازتاب یافته و آشکارا از نظریات بازپروری و اصلاحی فاصله گرفته‌است طرفداران نظریه بازدارندگی معتقدند، بزهکاران با محاسبه سود حاصل از جرم و زیان ناشی از مجازات، به ارتکاب جرم دست می‌زنند. بنابراین، چون در باراول، مجازات تعیین شده، به اندازه کافی موثر در ایجاد ترس و وحشت در بزهکار نشده، دوباره جرم را تکرار کرده‌است. بنابراین لازم است در صورت تکرار جرم مجازات بیشتری دربار وی تعیین شود تا باعث بازدارندگی لازم شود، ضمن این که در ایجاد بازدارندگی عام و ترس دیگران نیز موثر است در نتیجه موجب کاهش جرم در آینده خواهد شد «تکرار جرم درواقع مناسب‌ترین و تنها معیار برای ارزیابی صحت و سقم بازدارندگی خاص شناخته می‌شود.» (غلامی، ۱۳۹۰.ش، ص ۶۳) طرفداران نظریه بازدارندگی

نیز، مانند سزاگرایان با تدابیر اصلاحی و درمانی مخالفت کرده و مجازات شدیدتر در صورت تکرار جرم را، تنها راه چاره می‌دانند. بررسی قوانین مرتبط با تکرار جرم از مواد ۳۸ الی ۴۲ قانون جزای عرفی مصوب ۱۲۹۴ ه.ش، مواد ۲۴، ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴ ه.ش) تا ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۳۹۹ ه.ش) نشان می‌دهد که همواره قانون‌گذار با تبعیت از نظریه بازدارندگی اقدام به تصویب و اصلاح قوانین مرتبط با تکرار جرم نموده است. جرم‌شناسی علمی با ظهور دانشمندان مکتب تحقیقی یا اثباتی از اندیشه‌های کلاسیک فاصله گرفت و براساس پژوهش‌های میدانی نظریه متفاوتی را درباره علت ارتکاب جرم و تکرار آن ابراز داشت. سزار لومبروزو در کتاب مردقانون (Criminal Man) با طبقه بندی پنج‌گانه، بزهکاران را به جانی بالفطره، جانی دیوانه، بزهکاران به عادت، بزهکاران اتفاقی و بزهکاران حساس تقسیم نمود. انریکوفری مفهوم «حالت خطرناک» را مطرح کرده و آن را به لومبروزو پیشنهاد نمود. (تقریرات درس جرم‌شناسی، ص ۳۷ الی ۴۷). منظور از بزهکاران به عادت کسانی هستند که تحت تاثیر شرایط اجتماعی یا تربیتی مرتکب جرم کوچکی شده و به زندان می‌افتند. باتوجه به محیط ناسالم زندان و معاشرت با زندانیان حرفه‌ای و آثار سویی که بر رفتار زندانی می‌گذارد، نه تنها اصلاح نمی‌شوند، بلکه روش‌های جدیدی را برای بزهکاری می‌آموزند؛ در نتیجه بعد از آزادی، دوباره مرتکب جرم می‌شوند، آمار تکرار کنندگان جرم در زندان معمولاً از مرتکبان بار اول بیشتر است. لومبروزو این گروه از بزهکاران را غیر قابل اصلاح دانسته و پیشنهاد طرد دائمی آنان از اجتماع را می‌داد. به عبارت دیگر تکرار کنندگان جرم را مستحق مجازات شدیدتری از بار اول می‌دانست. (جزوه درس جرم‌شناسی، ستار محمدی، ص ۲۱)، گارفالو در تکمیل کار لومبروزو، به مساله تکرار کنندگان جرم پرداخت اندیشه‌های بنیان‌گذاران مکتب تحقیقی موجب شد بازپروری و اصلاح به یکی از اهداف اصلی مجازات‌ها تبدیل شود. «اصلاح بزهکار» یعنی لحاظ شخصیت مرتکب جرم در فرآیند عدالت کیفری، به منظور متناسب کردن پاسخ کیفری با نیازهای روانی، جسمانی و اجتماعی او. در این دیدگاه جهت‌گیری کلی مجازات، از جنبه تنبیهی صرف، به جنبه درمانی تغییر می‌کند و نوع آسیب‌های شخصیتی بزهکار، معیار اصلی واکنش عدالت کیفری به جرم

می‌شود و سخن از «پاسخ‌های فردی شده»، یا به طور کلی «عدالت کیفری شخصی شده» به میان می‌آید. (بولک، ۱۳۸۷ ه.ش، ص ۸).

کلیات و مفاهیم

تکرار جرم از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای دوباره مرتکب شدن جرم است تکرار جرم یکی از کیفیات تشدید مجازات محسوب می‌شود و مبنای این تشدید، وجود حالت خطرناک در شخص است. با توجه به این پیش‌گفتار به مسایل کلی تکرار جرم پرداخته سپس به ارائه راه‌های پیشگیری از تکرار آن می‌پردازیم.

۱. تعریف تکرار جرم

تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت قطعی در دادگاه صالح مرتکب جرم دیگری شود. (گارو، ۱۳۴۸ ه.ش، ص ۳۸۰) این پدیده از جمله دقیق‌ترین و سخت‌ترین مباحث حقوق کیفری است از آن جهت که هم با مسایل اجتماعی و هم با عدالت و اجرای آن. این موضوع به عنوان معضل مشترک تمام نظام‌های حقوق کیفری جهان مطرح است. این حالت علاوه بر این که نشانه ناتوانی و قصور بزهکار جهت بازاجتماعی شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، بیانگر کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و همچنین پیشگیری از جرم نیز هست. تکرار کنندگان جرم نه تنها با استمرار فعالیت خویش، نظم و امنیت اجتماعی را در معرض مخاطره قرار می‌دهند؛ بلکه هزینه‌های زیادی را نیز بر اقتصاد عمومی و بودجه نظام عدالت کیفری تحمیل می‌کنند چرا که بیش از نیمی از مشتریان دائمی دستگاه عدالت کیفری را تکرار کنندگان جرم تشکیل می‌دهند. (غلامی، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۸ و ۹).

۲. مجازات حدی

یکی از انواع مجازات‌های اصلی پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی بوده و به آن دسته از مجازات‌هایی گفته می‌شود که مقدار و نوع آنها، در فقه اسلامی مشخص شده است و طبق همان مجازات مشخص شده، اعمال خواهند شد. برای مجازات مرتکب، او حتما باید بالغ و

عاقل باشد و بداند که فعل ارتكابی او حرمت شرعی دارد، نحوه اعمال مجازات‌های شرعی، براساس آیین نامه اجرای احکام حدود مصوب ۱۳۹۸ ه.ش می‌باشد.

حدود جمع کلمه حد است و در معنای لغوی حد به معنای منع است. بنابراین مجازات حدی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که به دلیل سختی و مشقتی که دارند باعث می‌شوند، مردم از انجام کارهای خلاف عرف منع و محدود شوند که این موضوع، نوعی بازدارندگی از جرم را سبب می‌شود. منابع تعیین مجازات حدی، فقه اسلامی، آیات قرآن و روایات و سیره پیامبران و ائمه علیهم‌السلام است. به همین خاطر با سایر مجازات‌ها که قانون‌گذار با توجه به جرم، شرایط آن و عرف جامعه به تبیین آنها می‌پردازد متفاوت است. براساس ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات‌ها به چهار دسته حد، قصاص، دیه و تعزیر تقسیم می‌شوند. بنابراین، حد یکی از انواع مجازات اصلی در این قانون است به موجب ماده ۱۵ این قانون، حد به مجازاتی گفته می‌شود که «موجب نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است» هدف از تعیین مجازات حدی در شرع، گسترش دادن مجازات افراد نیست؛ بلکه هدف از این دسته از مجازات‌ها، بازدارندگی و تربیت مجرم است. قانون‌گذار، نوع و میزان مجازات حدی را از قرآن، اقتباس کرده است و مقدار و نوع آن، به همان ترتیبی است که در این کتاب الهی، ذکر شده است. بنابراین قاضی هم نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود را تغییر دهد یا مجازات حدی را کم‌تر کند یا به طور کلی، از آن صرف نظر نماید. همان طوری که اشاره کردیم، میزان و نوع مجازات حدی در شرع مشخص شده و حتی قاضی در صدور حکم، نمی‌تواند در آن تغییری ایجاد کند. نوع مجازات حدی بستگی به جرم صورت گرفته دارد و به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. برخلاف تصور عموم که فکر می‌کنند، مجازات مستوجب حد، فقط شلاق می‌باشد، در واقعیت امر، اینچنین نیست و مجازات حدی شامل اعدام در جرایمی مانند جرم زنا با محارم و فاعل در جرم لواط، شلاق، قطع کردن انگشت دست و پا برای مثال حد مجازات سرقت برای بارنخست قطع کردن چهار انگشت دست راست سارق است، تبعید «به معنای طرد فرد از محل زندگی خود و الزام وی به سکونت در مکان خاص در موارد مذکور در قانون است، به نحوی که به طور مستمر تحت مراقبت باشد» مانند مجازات حدی برای جرم محاربه نیز است.

۳. تشدید مجازات

تکرار جرم حکایت از خطرناک بودن مجرم دارد و مبین آن است که اجرای مجازات سابق درباره وی تاثیر چندانی نداشته است؛ لذا برای آن که مرتکب جرم متنبه شود مستحق مجازات بیشتری است بدین لحاظ تکرار جرم یکی از کیفیات تشدید مجازات محسوب می‌شود.

۳-۱. اختیارات قاضی

طبق ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی نحوه تشدید مجازات را درخصوص تکرارکننده جرم مشخص ننموده و در سایر قوانین نیز حکم خاصی در این خصوص وجود ندارد؛ بنابراین در اجرای آن دادگاه اختیار دارد با توجه به شرایط و کیفیت جرایم ارتكابی و اوضاع و احوال شخص مرتکب، مجازات تعزیری را تشدید نماید. (قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۳۸) دراینکه تشدید مجازات قانونی است تردیدی وجود ندارد؛ اما مراعات اصولی مانند اصل قانونی بودن مجازات‌ها، قضات را برآن داشته که جانب احتیاط را نگه دارند و در حدودی که قانون‌گذار تعیین کرده حکم نمایند. (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۸۹).

۳-۲. مبنا

مبنای تشدید مجازات در تکرار جرم وجود حالت خطرناک در شخص است. درواقع، انجام دوباره جرم نشان دهنده عدم تاثیر مجازات سابق بر محکوم علیه بوده و این امر نشان دهنده آن است که مجرم با مجازات عادی قابل اصلاح نبوده و نیازمند تشدید است. از سوی دیگر حالت خطرناک چنین مجرمی، ناشی از آن است که قباحت عمل مجرمانه در نظر وی از بین رفته و چنین مجرمی نسبت به مجرمین فاقد حالت تکرار جرم، جری‌تر شده به همین جهت بیش از سایر مجرمان نیاز به ضمانت اجراهای شدید کیفری دارد. (جعفری دولت آبادی، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۱۱).

شرایط اعمال قواعد تکرار جرم

تکرار جرم در جرایم حدی و در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ه.ش، پیش‌بینی شده است در خصوص جرایم مستوجب قصاص یا دیه، قواعد خاصی در خصوص تکرار جرم در منابع فقهی

و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.ش، پیش‌بینی شده است. ارتکاب مجدد صدور حکم قطعی، اجرای حکم، عدم حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان و تفاوت نوع جرم، شروطی هستند که برای اعمال مقررات مربوط به تشدید مجازات در تکرار جرم مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. صدور حکم قطعی

صدر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی) ۱۳۹۹.ش، صراحتاً این شرط را پذیرفته است، ولی ماده ۱۳۶ قانون یاد شده، به طور ضمنی دلالت بر شرط مذکور می‌نماید. زیرا اجرای احکام مستلزم قطعیت حکم صادره است. تفاوت مقررات فعلی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.ش، و اصلاحی ۱۳۹۹.ش، بین تعدد و تکرار، ناظر به صدور حکم قطعی است. بدین توضیح که اگر کسی مرتکب جرم شود و تازمانی که حکم قطعی درباره وی صادر نشده مجدداً مرتکب جرم شود، مشمول قواعد تعدد جرم قرار می‌گیرد. ولی، در جرایم تعزیری اگر حکم قطعی صادر شود، مشمول قواعد تکرار قرار می‌گیرد و در جرایم مستوجب حد در صورت اجرای حکم مشمول قواعد تکرار قرار می‌گیرد در جرایم قصاص و دیه‌ای هم قواعد تکرار جرم اعمال نمی‌گردد.

۲. ارتکاب دوباره جرم

شرط اول جهت اعمال قواعد تکرار جرم، ارتکاب دوباره جرم است. شباهت یا عدم شباهت جرم مجدد با جرم قبلی، اجرا یا عدم اجرای مجازات جرم اول، دفعات تکرار جرم، و نوع جرم از حیث مجازات حدی موضوعاتی است که در این بخش بررسی خواهد شد.

۲-۱. تکرار جرم عام

تکرار جرم عام ناظر به موردی است که شخص، دوباره مرتکب جرم می‌شود، تفاوتی نمی‌کند که آیا جرم مجدد شباهتی با جرم قبلی دارد یا خیر. در هر صورت این وضعیت نشان از حالت خطرناکی و میل دوباره به جرم در مرتکب است. به همین جهت لازم است برای باردوم با مجازات بیشتری روبه‌رو شود. این روش در جرایم تعزیری در قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲ش، به کارگرفته شده است، ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی) ۱۳۹۹ه.ش، در این باره مقرر می‌دارد: «هرکس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه ۱ تا ۵ محکوم شود... مرتکب جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ دیگری گردد...» براساس ماده یادشده مرتکب در بار دوم، با ارتکاب هر نوع جرم تعزیری عمدی درجه ۱ تا ۶ مشمول قواعد تکرار جرم خواهد شد خواه مشابه جرم قبلی باشد خواه متفاوت. طبق اصل قانونی بودن مجازات‌ها، میزان مجازات مشدد نیز باید در قانون پیش‌بینی گردد و نمی‌توان آن را در اختیار قاضی قرارداد و در ماده ۱۳۶۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۹ه.ش، میزان تشدید در جرایم تعزیری، حداکثر تا یک و نیم برابر مجازات قانونی مربوط به هر جرم است. دفعات تکرار جرم، موجب تغییر در ضابطه مذکور نخواهد شد. بدین ترتیب، هیچ‌گاه تکرار در جرم تعزیری موجب صدور حکم اعدام در دفعات سوم یا چهارم نمی‌شود. در حدود امکان تخفیف مجازات در مقررات جزایی و موازین فقهی پیش‌بینی نشده است ولی در جرایم تعزیری، در صورت وجود جهات تخفیف، می‌توان مجازات مذکور را مشمول قواعد ارفاقی قرارداد.

۲-۲. تکرار جرم خاص

تکرار جرم خاص ناظر به موردی است که شخص مرتکب همان جرم قبلی شود. به عبارت دیگر جرمی را که برای بار اول مرتکب شده برای بار دوم هم، مرتکب شود، یعنی مشابه جرم قبلی. مثلاً اگر برای بار اول مرتکب جرم زنا شده است برای بار دوم نیز مرتکب زنا شود ولی اگر برای بار اول مرتکب جرم زنا شود ولی برای بار دوم مرتکب جرم لواط شود مشمول قواعد تکرار جرم نخواهد گردید. در جرایم مستوجب حد، این ضابطه مشاهده می‌شود و مرتکب باید دقیقاً مرتکب همان جرمی شود که برای بار اول مرتکب شده است. فلسفه این شرط تشدید مجازات کسانی است که در یک جرم خاص مهارت پیدا می‌کنند مانند جیب‌بری، سرقت از فروشگاه یا منازل، کلاهبرداری و نظایر آنها. به تعبیر رایج در بین بزه‌کاران حرفه‌ای، جرم خاصی را شگرد دارند، مثلاً کسانی که مهارت خاصی در باز کردن قفل‌های ماشین، منزل یا گاوصندوق دارند. ماده ۱۳۶ ق.م. ۱۳۹۲ه.ش، در این باره مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک

نوع جرم مستوجب حد شود و هربار حد آن جرم براو جاری شود حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.» در مورد حدود به دلیل حاکمیت قاعده درء، بر تکرار همان جرم سابق تاکید شده است. ولی در بعضی از نظام‌های حقوقی جرایم هم خانواده مشابه برای اعمال قواعد تکرار جرم کفایت می‌کند. «مطابق قانون جزایی واشینگتن ارتکاب هر کدام از جرایم علیه اموال در دفعه دوم، در صورتی که جرم ارتكابی محکوم برای بار اول یکی از جرایم علیه اموال باشد، موجب تحقق تکرار جرم و در نتیجه افزایش مجازات بوده است.» (غلامی، حسین، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۴۹) در جرایم مستوجب حد دودیدگاه فقهی وجود دارد:

الف) عده‌ای معتقدند هرکس، مرتکب جرم حدی شود و حد براو جاری گردد برای بار سوم کشته خواهد شد. این دیدگاه در ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ ه.ش، بازتاب داده شده بود. فقیهان در این باره به صحیحی یونس روایت از امام کاظم علیه السلام استناد می‌کنند که فرمود: «أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ كُلِّهَا - إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّالِثَةِ.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۲۸، ص ۱۹) یعنی بر مرتکبان گناهان کبیره دو مرتبه حد اجرا شود، در مرتبه سوم کشته می‌شوند. ولی شهید اول احتیاط را در بار چهارم می‌داند و شهید ثانی در این زمینه به روایتی در خصوص زنا استناد می‌کند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۹) صاحب عروه درباره استدلال به روایت فوق می‌نویسد: (این موضوع) متوقف است بر اینکه مراد از حد، معنایی باشد که شامل تعزیر نیز می‌شود در حالی که عمومیت حد برای تعزیر ثابت نیست و محل اشکال است. (طباطبایی، ۱۴۱۶ ه.ق، ج ۸، ص ۱۴۹-۱۹۵) لذا قاعده درء، احتیاط در دما و اصل تخفیف در حدود با این نظریه سازگارتر است.

ب) دیدگاه دوم معتقد است که این حکم برای مرتبه چهارم اعدام است. این دیدگاه مطابق قاعده درء است، در اصلاحات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ه.ش بر نظریه اول ترجیح داده شده است. نظریه مطرح شده در بین فقهای امامیه بر اساس برخی از روایات، مشهور است ولی این نظریه با انتقاداتی روبه رو شده است: «حد در دیدگاه رایج، مشمول احکام خاصی است که هنگام تردید در ترتب آنها، اصل عدم ترتب آنهاست برای دیدگاه رایج، تکرار دویا سه مرتبه جرم حدی موجب اعدام می‌شود؛ اصل این است که نباید این حکم را به موارد مشکوک تعمیم

داد.» (نوبهار، ۱۴۰۰ ه. ش، ص ۱۵۴) قواعد تکرار جرم در جرایم حدی به تفکیک هر جرم، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اول: تکرار در زنا و لواط: در جرم زنا براساس ماده ۱۳۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ ه. ش هرگاه سه بار حد بر مرتکب اجرا شود برای بار چهارم کشته می‌شود. فقیهان امامیه در این خصوص به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد می‌کنند که فرمودند: «الزانی إذا زنا یجلد ثلاثا و یقتل فی الرابعة» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، باب ۲۰ من أبواب حد الزنا حدیث ۱) شهید ثانی در تعلیل حکم یاد شده می‌نویسد: «و لأن الحد مبني على التخفيف، و للاحتياط في الدماء، و ترجح هذه الرواية بذلك و بأنها خاصة، و تلك عامة. فيجمع بينهما بتخصيص العام بما عد الخاص و هو الأجود.» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۹، ص: ۱۵۴) یعنی به علت اینکه بنای حد بر تخفیف است و در کشتن باید احتیاط کرد، به همین جهت روایت فوق بر روایت قبلی ترجیح دارد. وجه دیگر ترجیح این است که روایت دوم در خصوص زنا بوده و خاص است و روایت دیگر عام بوده و درباره کلیه جرایم مستوجب حد است، لذا آن را تخصیص زده است و به این ترتیب این دو روایت رفع تعارض شده و این نظریه‌ای نیکوتر است. آیت الله خویی نیز این نظریه را پذیرفته است. (خویی، ۱۴۲۲ ه. ق، ج اول، ص ۲۵۹). همین دیدگاه در لواط هم پذیرفته شده است.

دوم: تکرار در مساحقه و تفخیذ: در جرم مساحقه نیز مانند سایر حدود، طبق ماده ۱۳۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ ه. ش، بعد از سه بار اجرای حکم، برای بار چهارم مرتکب کشته می‌شود محقق حلی در این باره می‌نویسد: «وإذا تكررت المساحقه مع اقامه الحد ثلاثا قُتلت فی الرابعة» (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۴، ص ۱۴۷) در این مورد نیز اختلاف در دو روایت مذکور در زنا مورد توجه فقیهان امامیه قرار گرفته است. محقق حلی مساحقه را مانند زنا فرض نموده و برخلاف روایت عام، سه بار اجرای حد مساحقه را برای قتل در بار چهارم ضروری دانسته است. آیت الله سبحانی دلیل نظر محقق حلی را اجماع فقها بر برابر دانستن مساحقه با زنا دانسته‌اند و معتقدند ضابطه این است که اگر دوباره اقامه حد بر کسی شود، بار سوم کشته می‌شود. (درس خارج فقه آیت الله سبحانی، کتاب الحدود و التعزیرات، ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ سایت اینترنتی eshia.ir) و صراحتاً بیان می‌دارد: اگر این اجماع نبود، ما درهمه کبائر می‌گفتیم که

در مرحله سوم کشته می شود. البته ایشان در وجود اجماع در این باره تردید دارند. همین دیدگاه درباره حد تفخیز نیز پذیرفته و ادعای شهرت یا حتی اجماع بر آن شده است. این در حالی است که آیت الله خویی این نظریه را نپذیرفته و بیان می کند: «اگر دوبار بر کسی حد تفخیز اجرا شد، برای بار سوم کشته می شود.»

نکته: استدلال مشهور مبتنی بر این است که بین تفخیز و زنا در این مورد تفاوتی نیست، ایشان این استدلال را قیاس مع الفارق می داند. (خویی، ۱۴۲۲ ه. ق، جلد ۱، ص ۲۶۲)

سوم: تکرار در حد سرقت: تکرار سرقت حدی موجب تشدید مجازات خواهد بود. ماده ۲۷۸ ق. م. ۱۳۹۲ ه. ش، قواعد مستقلى از سایر حدود، برای سرقت های حدی در صورت تکرار، در نظر گرفته است. مفاد ماده مذکور براساس نظر مشهور فقها تنظیم یافته است براساس بند «ب» ماده یاد شده سرقت در بار دوم، موجب قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند. بند «ب» مذکور براساس نظر مشهور فقیهان امامیه و روایت است. در موثقه سماعه از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِذَا أُخِذَ السَّارِقُ قُطِعَتْ يَدُهُ مِنْ وَسْطِ الْكَفِّ - فَإِنْ عَادَ قُطِعَتْ رِجْلُهُ مِنْ وَسْطِ الْقَدَمِ - فَإِنْ عَادَ اسْتُودِعَ السَّجْنُ - فَإِنْ سَرَقَ فِي السَّجْنِ قُتِلَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۲۸، ص ۲۵۲). براساس بند «پ» ماده یاد شده حکم سرقت در بار سوم حبس ابد است و طبق بند «ت» برای بار چهارم اعدام است حتی اگر در زندان سرقت کنند، سرقت در زندان موضوعیت ندارد هرچند برخی از فقها سرقت در زندان را به دلیل روایت سماعه از امام صادق علیه السلام شرط دانسته اند. این نظریه دقیق تر است زیرا، حکم سرقت برای بار سوم حبس ابد است و مرتکب خارج زندان نیست که مجددا مرتکب سرقت شود. مگر اینکه گفته شود، ممکن است سارق از زندان فرار کند و در خارج از آن مرتکب سرقت شود. این تفسیر مغایر متن روایت است که در آن آمده: «فَإِنْ سَرَقَ فِي السَّجْنِ» هرچند برخی از فقها از این قید الغای خصوصیت کرده اند.

چهارم: تکرار قذف: برخی از فقیهان امامیه معتقدند که اگر کسی سه بار دیگری را قذف کند و هر بار حد براو جاری شود برای بار چهارم کشته می شود. شهید اول در این باره می نویسد: «وَيُقْتَلُ فِي الرَّابِعَةِ لَوْ تَكَرَّرَ الْحَدُّ ثَلَاثًا» (شهید اول، ص ۲۵۹) شهید ثانی نظریه فوق را در بین فقهای امامیه مشهور دانسته، ابن ادریس را مخالف آن می داند که معتقد است بعد از دوبار

حد خوردن، برای بارسوم قاذف کشته می شود همان نظری که درباره سایر گناهان کبیره دارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۲، ص ۳۶۹) یعنی اگر حدهربار درباره قاذف تکرار شود، برای بار چهارم قذف کننده کشته می شود. این دیدگاه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ه.ش پذیرفته شده است. **پنجم: تکرار شرب خمر:** براساس ماده ۱۳۶ق.م. ۱۳۹۲ه.ش شرب خمر مانند سایر حدود (غیر از حد سرقت) است. هر چند مشهور فقها در این باره معتقدند که در صورت دوبار اجرای حد در بار سوم، شارب خمر کشته می شود. مشهور در این زمینه به روایتی از امام صادق (ع) استناد می کند که فرمودند: «قال رسول الله ﷺ: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فَأَجْلِدُوهُ فَإِنْ عَادَ فَأَجْلِدُوهُ - فَإِنْ عَادَ الثَّالِثَةَ فَأَقْتُلُوهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ه.ق، ج ۲۸، ص ۲۳۳). صاحب جواهر به همین جهت این نظریه را دارای فهرست عظیم، حتی اجماعی می داند. (نجفی، ۱۴۲۱ه.ق، ج ۴۱، ص ۴۶۱).

ششم: تکرار حد قوادی: اطلاق ماده ۱۳۶ق.م. ۱۳۹۲ه.ش، شامل حد قوادی نیز می شود در این خصوص روایتی وجود ندارد، به همین جهت فقها، در این باره نظریه خاصی ارائه نکرده اند. لازم به ذکر است در خصوص تکرار جرم در سایر حدود مانند محاربه، افساد فی الارض و ... نیز حکم خاصی بیان نشده است. شاید علت آن این است که معمولاً مجازات این حدود قتل است و فرض تکرار در مورد آنها نمی توان داشت، ولی در حالی که ممکن است محارب به حد قتل محکوم نشود در این صورت نمی توان فرض تکرار جرم را در این باره منتفی دانست. در این خصوص می توان به اطلاق ماده ۱۳۶ق.م. ۱۳۹۲ه.ش، عمل نمود.

حصول مرور زمان اجرای مجازات

۱. تعریف

مرور زمان در فرهنگ حقوقی عرب، اغلب با عنوان «التقادم» و گاهی با عنوان «مرور الزمن» یا «مضی المده» بیان می شود. نزد حقوق دانان انگلیسی زبان، رایج ترین عنوان آن «Prescription» است؛ اگرچه با عناوین «Lapse of time» و «Statute of limitation» نیز مطرح می شود. متداول اصطلاح آن در فرهنگ حقوقی فرانسه «Prescription La» است. در قانون تعریفی از مرور زمان ارائه نگردیده، ولی حقوق دانان تعریف های گوناگونی از آن ارائه کرده اند. ترمینولوژی

حقوق مرور زمان را اینگونه تعریف کرده است: «گذشتن، مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، دعوا شنیده نمی شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۶۳۸) برخی دیگر در تعریف آن گفته اند: «مرور زمان کیفری عبارت است از گذشتن مدتی که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت، تعقیب جرم یا اجرای احکام قطعی کیفری موقوف می شود. به بیان دیگر هرگاه رسیدگی به جرم یا اجرای حکم قطعی کیفری مدت معینی به تعویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نشده و حکم قطعی به اجرا گذاشته نمی شود، در این صورت می گویند جرم مشمول مرور زمان شده است.» (آخوندی، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۱، ص ۲۴۶) به بیان برخی دیگر، مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات امکان پذیر نیست. بدین ترتیب در قوانین اکثر کشورها سه نوع مرور زمان (مرور زمان شکایت، مرور زمان تعقیب، مرور زمان مجازات) وجود دارد. (آشوری، ۱۳۸۰ ه.ش، ج ۱، ص ۱۶۲) البته مرور زمان صدور حکم نیز متصور است و عملاً نیز در قوانین از جمله ماده ۱۰۵ ق.م.ا.س سال ۹۲ ه.ش پیش بینی شده است.

۲. مبانی حقوقی مرور زمان

قرار دادن مرور زمان با عنوان مسقط مجازات، موافقان مخالفانی دارد و همه مکاتب و کشورها با وضع مرور زمان موافق نیستند. در این مقوله دو نظریه مطرح است که به اختصار بیان می گردد:

الف) ادله موافقان

موافقان وضع مرور زمان به چند دلیل استناد می کنند:

۱. باگذشت زمان، اضطراب ناشی از ارتکاب جرم تسکین پیدا می کند و جامعه به تدریج جرم ارتكابی را فراموش می کند و تعقیب و مجازات متهم موجب یادآوری ارتكاب جرم شده و آلام ناشی از ارتكاب جرم و احساس عدم امنیت بار دیگر زنده می شود.
۲. از مهم تری اهداف تعقیب بزهکاران و به مجازات رسیدن آنان، پیشگیری از ارتكاب مجدد جرم و ارعاب عمومی ولی گذشت زمان موجب می شود اقدامات قضایی جنبه بازدارنده نداشته باشد.

۳. پس از گذشت چندین سال از ارتکاب جرم، تحصیل دلیل علیه متهم به علت فوت یا مهاجرت یا مسافرت و بیماری شهود مشکل می شود و غالباً آثار و علائم ارتکاب جرم از بین می رود و شهود پس از گذشت مدت زمان بسیار طولانی چیز دقیق و مشخصی را به یاد ندارند و برای مجرم نیز مشکل است بی گناهی خود را ثابت کند. (فتحی، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۱۷۷)
۴. مجرم در اثر گذشت زمان از عملش پشیمان شده و اخلاق او اصلاح می گردد و عدم مجازات متهم باعث می شود متهم رفتار نیک را برای مدتی نصب العین خود سازد تا از تحمل مجازات ایمن گردد. (علی آبادی، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۲، ص ۳۹۲)

ب) ادله مخالفان

- مخالفان جریان مرور زمان نیز به ادله ای استناد می کنند:
۱. انصراف از تعقیب و مجازات بزهکاران به منزله تشویق آنان به فعالیت های بزهکارانه و تشجیع آنان به غوطه ور شدن در ورطه بزهکاری است همچنین موجب تجری بزهکاران می شود و پاداشی به بزهکاران حرفه ای است.
۲. هرچند گذشت زمان غالباً خاطره های انسان را از بین می برد، ولی برخی از خاطره ها آنچنان در روح انسان تاثیر می گذارد که تا آخرین لحظه زندگی نیز انسان را رها نمی کند. ارتکاب جرم مخصوصاً جرایم سنگین و شنیع از اینگونه خاطرات محسوب می شود.
۳. قبول مرور زمان نه تنها نفعی برای جامعه ندارد بلکه از جهات مختلف به ضرر جامعه است و حق دفاع جامعه را در مقابل بزهکاران تضعیف می کند و قاطعیت اجرای مجازات را از بین می برد. (آشوری، ۱۳۸۰ ه.ش، ج ۱، ص ۱۶۲).

۳. مبانی فقهی مرور زمان

از نظر فقها مرور زمان حق شرعی را ساقط نمی کند. امام خمینی در پاسخ به این سوال که «مساله شمول مرور زمان (که در قوانین گذشته و احتمالاً در قوانین فعلی به آن عمل می شود) چه صورتی دارد؟» فرمودند: «مرور زمان حق شرعی را ساقط نمی کند و شرعاً اعتباری ندارد.» (امام خمینی، ۱۴۰۹ ه.ق، ج ۳، ص ۶۴). بدون شک حق شرعی به صرف گذشتن زمان ساقط

نمی‌شود ولی اینکه آیا گذشت زمان مانع از رسیدگی قضایی به دعاوی می‌شود یا نه؟ به اجماع فقهای امامیه مرور زمان مسقط حد و قصاص و دیه نیست و مانع از رسیدگی استیفای حق نیز نیست.

نکته: شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌فرماید: «اگر چهار نفر به زنایی شهادت دهند، شهادتشان پذیرفته می‌شود، چه زناي جدید باشد یا قدیم»، شافعی نیز به همین قول فتوا داده‌است؛ اما ابوحنیفه و اصحابش گفته‌اند اگر شهود به زناي قدیم شهادت بدهند، شهادت آنان پذیرفته نمی‌شود و ابویوسف گفته، تلاش کردیم که ابوحنیفه زمان تقادم زنا را مشخص کند، ولی خودداری کرد. حسن بن زیاد و محمد از ابوحنیفه حکایت کرده‌اند که وقتی از زمان زنا یک سال گذشت، دیگر شهادت را قبول نمی‌کرد و ابویوسف و محمد گفته‌اند اگر بعد از دوماه از هنگام مشاهده، شهادت بدهد مسموع نیست. اما دلیل ما این است که ادله‌ای مانند «الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» و «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ، ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور/۲ و ۴) مطلق بوده و تفاوتی بین فور و تراخی قائل نشده‌اند. شیخ طوسی در کتاب مبسوط نیز به همین عقیده است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۸ ه.ق، ج ۸، ص ۱۳) علامه حلی نیز تصریح می‌کند مرور زمان موجب بی اعتباری شهادت نمی‌شود، پس اگر شهود برزناي قدیم شهادت دادند حد واجب می‌گردد. همچنین اقرار به زناي قدیم نیز موجب حد می‌شود. (حلی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۵، ص ۳۱۰) برخی از فقها به اصالت بقاء نیز به عنوان یکی از ادله عدم تاثیر مرور زمان در سقوط حد استناد کرده‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۴، ۳۵۷) بعد از ارتکاب جرم و اثبات مجازات، سقوط کیفر نیاز به دلیل دارد و دلیلی بر سقوط کیفر به صرف مرور زمان وجود ندارد اگر گذشت زمان کاشف از توبه باشد می‌تواند مسقط حد باشد، ولی در این صورت دلیل سقوط حد توبه است نه مرور زمان.

از برخی روایات استفاده می‌شود که اگر مرتکب مدتی بعد از ارتکاب جرم سرقت، زنا و شرب خمر، فرد صالحی شده باشد، حد براو جاری نمی‌شود در روایت مرسله جمیل بن درّاج آمده است: «عَنْ عَلِيٍّ بْنِ حَدِيدٍ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَ فِي رَجُلٍ سَرَقَ أَوْ شَرِبَ الْخَمْرَ أَوْ زَنَى فَلَمْ يَعْلَمْ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ لَمْ

يُؤْخَذُ حَتَّى تَابَ وَ صَلَحَ فَقَالَ إِذَا صَلَحَ وَ عُرِفَ مِنْهُ أَمْرٌ جَمِيلٌ لَمْ يَقَمْ عَلَيْهِ الْحَدُ»

(کلینی، ۱۴۰۷ه.ق، ج ۷، ص ۲۵۰)

جمیل از مردی نقل کرد که گفت: از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره مردی پرسیدم که سرقت یا شرب خمر یا زنا کرده و کسی از این کار وی با خبر نشده و او گرفتار نیامده است تا آن که توبه کرد و صالح گشت؛ حضرت فرمود: «اگر صالح شود و حالت نیکویی از او دانسته شود، حد براو جاری نمی‌شود.» محمد بن ابی عمیر گفت: من پرسیدم، اگر مدت زیادی از آن عمل نگذشته باشد، باز حد براو جاری نمی‌شود؟ گفت: اگر ۵ ماه یا کمتر از ۵ ماه بوده و حالت خوبی از وی آشکار شده باشد، حدود بروی جاری نمی‌شود. این روایت صرف نظر از بحث سندی، دلالتی بر سقوط کیفر به صرف مرور زمان ندارد، بلکه سقوط کیفر را منوط به توبه و اصلاح مجرم کرده است و روشن است توبه و اصلاح مجرم عامل مستقلى در سقوط مجازات است. تا اینجا روشن شد که در حدود و به طریق اولی در قصاص و دیات، صرف مرور زمان مسقط حق و مانع از رسیدگی نیست.

انواع مرور زمان

مرور زمان در جرایم موجب تعزیر، حسب مورد مانع از شکایت، تعقیب، محاکمه و مجازات است، بنابراین مرور زمان کیفری به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. مرور زمان شکایت

به این معنا که اگر از تاریخ وقوع جرم تعزیری قابل گذشت، شاکی خصوصی پس از اطلاع از ارتکاب جرم تا انقضاء مهلت قانونی که مرور زمان حاصل می‌شود، اقدام به شکایت نکند، حق شکایت وی ساقط می‌شود این نوع مرور زمان از ماده ۱۰۶ ق.م.ا استنباط می‌شود مطابق ماده ۱۰۶ ق.م.ا چنانچه از تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم یک سال بگذرد و شاکی طرح شکایت نکرده باشد، مشمول مرور زمان شکایت شده و حق شکایت کیفری او ساقط خواهد شد، مگر اینکه تحت سلطه متهم باشد یا به دلیلی خارج از اختیار خود، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت یک ساله، از تاریخ رفع مانع، محاسبه خواهد شد. همچنین اگر

متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر کردن وی از طرح شکایت نباشد، هریک از ورثه وی در مهلت ۶ ماه از تاریخ وفات حق شکایت خواهند داشت.

۲. مرور زمان تعقیب

مرور زمان تعقیب به این معناست که چنانچه از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مهلت قانونی که مرور زمان حاصل می‌شود، تعقیب صورت نگیرد، حق تعقیب ساقط می‌شود و دیگر نمی‌توان متهم را برای ارتکاب آن جرم مورد تعقیب قرار داد. در ترمینولوژی حقوق از این مرور زمان به مرور زمان جرم تعبیر شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸ه.ش، ص ۶۳۹)

۳. مرور زمان صدور حکم

اینکه اگر از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای مواعد قانونی مقرر در این ماده پرونده، منتهی به صدور حکم قطعی نشود، امکان صدور حکم به مجازات وجود نخواهد داشت و تعقیب موقوف خواهد شد. ماده ۱۰۵ ق.م.ا در این خصوص مقرر می‌دارد: «مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد...»

۴. مرور زمان اجرای مجازات

منظور از آن این است که هرگاه حکم قطعی لازم الاجرا در مواعد مقرر قانونی اجرا نشود، دیگر قابلیت اجرا نخواهد داشت و اجرای حکم متوقف می‌شود. ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد، مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است:

الف) جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۳ با انقضای ۲۰ سال

ب) جرایم تعزیری درجه ۴ با انقضای ۱۵ سال

پ) جرایم تعزیری درجه ۵ با انقضای ۱۰ سال

ت) جرایم تعزیری درجه ۶ با انقضای ۷ سال

ث) جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ با انقضای ۵ سال

البته در صورتی که اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکومی قطع شده باشد، این مرور زمان قابل اعمال نیست و قانونگذار آن را مسقط کیفر ندانسته است. ماده ۱۰۸ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «... مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.»

از مصادیق قطع مرور زمان بر اثر رفتار عمدی محکوم علیه فرار از زندان و بازنگشتن به زندان بعد از اتمام مدت مرخصی است، در این موارد مرور زمان قابل اعمال نیست و موجب سقوط مجازات نمی‌شود. (فتحی، ۱۳۹۹ ه.ش، ص ۱۸۷؛ عابدی، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۴۱۷)

نتیجه

در این نوشتار جتبه‌های حقوقی تکرار در جرایم حدی با طولانی شدن زمان مورد بررسی قرار گرفت. حقوق کیفری ایران کماکان تحت تاثیر نظریه‌های سزاگرایی و بازدارندگی، تشدید مجازات در جرایم مستوجب حد و تعزیر را درباره کنترل کنندگان جرم ملاک عمل قرار داده است و آشکارا از نظریه‌های اصلاحی، درمانی و بازپرورانه فاصله گرفته است. تکرار در جرایم مستوجب حد مستقلاً در ماده ۱۳۶ ق.م.ا ۱۳۹۲ ه.ش پیش‌بینی گردیده و اعدام در بار چهارم برای تکرار کنندگان جرم مشابه پیش‌بینی شده است در حالی که مشهور فقها در اکثر جرایم حدی دوبار اجرای حد را برای اعدام در بار سوم به دلیل روایی ترجیح داده‌اند. ولی قانونگذار از نظریه خفیف‌تر بر مبنای قاعده درء احتیاط در دما و اصل تخفیف در حدود تبعیت کرده است. قانونگذار همچنین از دیدگاه مشهور در خصوص اعدام، مرتکبان کبائر در جرائم تعزیری فاصله گرفته است و صرفاً در ماده ۱۳۷ قانون یادشده ضابطه مند نموده است؛ در اصلاح ماده یاد شده به موجب ماده ۱۳ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ ه.ش نیز همین روش را ترجیح داده است.

از نظر فقها طول زمان، موجب سقوط حد نمی‌شود هر چند مدت آن طولانی باشد.

کتابنامه

- آخوندی، حمود، آیین دادرسی کیفری، سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ۳، زمستان ۱۳۷۲ ه.ش
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش.
- بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دیپاچه استاد (مترجم) برای ویراست سوم تحت عنوان «زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران» چاپ هشتم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- جعفری دولت آبادی، عباس، بررسی تطبیقی تعدد و تکرار جرم در حقوق ایران و اردن، ماهنامه دادرسی، مرداد و شهریور ۱۳۸۴ ه.ش، شماره ۵۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸ ه.ش
- حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، ۱۴ جلد، مؤسسة دار التفسیر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۶ ه.ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیه، تحقیق: ابراهیم بهاری، موسسه امام صادق (علیه السلام)، قم، ۱۴۲۱ ه.ق
- حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ ه.ق
- خمینی، روح الله، استفتاءات، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی، مبانی تکمله المنهاج، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، قم، ایران، چاپ اول، ۱۴۲۲ ه.ق
- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (حقوق جزای عمومی)، نشر: میزان، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۸ ه.ش.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، موسسه معارف الاسلامیه، قم - ایران، ۱۴۱۳ ه.ق

- شیری، عباس، **تقریرات درس جرم‌شناسی**، (کارشناسی ارشد، نیم‌سال دوم، سال تحصیلی ۹۸-۹۹ نگارش الهام جعفرپورصادق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- طوسی، محمدبن حسن، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تحقیق: محمد باقر بهبودی، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۸ه.ق.
- عابدی، احمدرضا، **نگرش کاربردی به حقوق جزای عمومی**، نشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چاپ اول، آذر ۱۴۰۰ه.ش
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، ۳۰ جلد، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه.ق
- عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)**، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۴۱۰ ه.ق
- علی آبادی، عبدالحسین، **حقوق جنایی**، ج ۲، بی‌جا، انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۱۳۹۲ه.ش.
- غلامی، حسین، **بررسی حقوقی جرم‌شناختی تکرار جرم**، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲ه.ش
- غلامی، حسین، **تکرار جرم (بررسی حقوقی جرم‌شناختی)**، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۹۰ه.ش.
- فتحی، حجت‌الله، **شرح مبسوط**، قانون مجازات اسلامی، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۹ه.ش
- کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب، **الکافی**، انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ه.ق.
- گارو، **مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا**، ج ۳، ترجمه: سید ضیاء‌الدین نقابت، تهران، بنگاه مطبوعاتی ایران، ۱۳۴۸ه.ش.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، **نشست‌های قضایی (مسائل مجازات اسلامی)**، ج اول، تهران، انتشارات جاویدانه، ۱۳۸۲ه.ش.
- نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ناشر: جامعه مدرسین قم، ۱۳۹۸ه.ش.
- نوبهار، رحیم، **مجازات اعدام: چشم‌اندازی اسلامی**، مندرج در فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره یک، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۰ه.ش.